

شناسایی عوامل مؤثر بر غیرفعال شدن تعاونی‌های کشاورزی با استفاده از تحلیل دلفی (مطالعه موردی: شهرستان خدابنده)

مجید حضرتی^۱: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
ام‌السلمه بابایی فینی: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

شرکت‌های تعاونی کشاورزی در شهرستان خدابنده در طی دهه‌ی ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ توسعه چشمگیری داشته است. بطوری که تا سال ۱۳۸۸، حدود ۳۴۰ شرکت تعاونی کشاورزی در این شهرستان تأسیس شده است. با وجود این، افزایش ۱۰ درصدی تعاونی کشاورزی غیرفعال شهرستان (۳۴ شرکت تعاونی) در سال‌های اخیر، نشان می‌دهد که این بخش اقتصادی در زمینه فعالیت‌های کشاورزی با مشکلات ساختاری - کارکردی مواجه می‌باشد. مقاله‌ی حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، به مطالعه علل افزایش تعاونی‌های کشاورزی غیرفعال پرداخته است. در این زمینه، داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. جامعه آماری تحقیق شامل ۳۴ شرکت تعاونی کشاورزی غیرفعال با ۲۶۳ نفر عضو می‌باشد. از این تعداد، ۹۳ نفر بصورت نمونه‌گیری اتفاقی برای پرسشنامه اول و دوم و از بین ۹۳ نفر نیز، ۵۲ نفر بصورت نمونه‌گیری کارشناسی برای پرسشنامه سوم و چهارم به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. همچنین، برای تبیین داده‌های گردآوری شده، از روش تحلیل دلفی بهره گرفته شده است. در این روش برای ایجاد توافق عمومی بین اعضاء در مورد موضوع مورد نظر، اقدام به توزیع پرسشنامه در دوره‌های متوالی به همراه بازخوران کنترل شده آنها می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مشکلات درونی شرکت تعاونی از قبیل، ضعف مدیریتی، مهارت، اختلاف سلیقه، انتظارات نابجا از تعاون و برخی کمبودهای خدمات زیربنایی و مشکلات برنامه‌ریزی و سیاستگذاری از سوی سازمانهای دولتی، از علل اصلی رکود فعالیت شرکتهای تعاونی و در نتیجه غیرفعال شدن آنها می‌باشد. در این زمینه، اعطای تسهیلات اشتغال‌زایی به تعاونی‌های غیر فعال، بهبود زیرساختهای بخش کشاورزی در روستاها، تأمین اعتبارات و خرده اعتبارات این تعاونی‌ها و توسعه آموزش تخصصی و عمومی برای تعاونی‌ها در احیاء تعاونی‌های غیرفعال مفید خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: تعاونی کشاورزی، تعاونی غیرفعال، توسعه اقتصادی، تحلیل دلفی، خدابنده.

^۱ نویسنده مسئول: hazratimajid@gmail.com، ۰۹۱۹۴۴۱۵۲۰۹

بیان مسأله:

تعاونی کشاورزی نهادیست اقتصادی- اجتماعی که در پاسخ به اوضاع نامساعد بازار و مشکل سهامداران در این رابطه، توسط کشاورزان تأسیس می‌شود (Koopmans, 2006: 9)، و در زمینه ارائه خدمات، اعتبار و تأمین مزرعه و مسکن برای کشاورزان و فراهم کردن بازار برای محصولات کشاورزی فعالیت می‌کنند (Kraenzl, 1998: 4). این نوع تعاونی‌ها، از طریق بازاریابی تولیدات کشاورزی به منظور خودکفایی آنها، موجبات تحول در اقتصاد روستایی را فراهم می‌آورند (Koopmans, 2006: 3). بدین شکل که، با بکار انداختن دارائیهای کشاورزان در درون یک سازمان، در تقابل با سرمایه‌داران سودگرا عمل می‌کنند (Report of USDA, 1990: 2).

هر چند که این نوع تعاونی‌ها به عنوان مؤسسات حمایتگر در اقتصاد غذا و کشاورزی هستند (Fulton et al, 2009: 2) و می‌توانند مزایا و فرصت‌های متعددی برای گسترش فعالیت‌های کشاورزی ایجاد کنند. اما در برخی موارد نیز به علل مختلف نمی‌توانند منافع کشاورزان را تأمین کنند و بدنبال آن، برخی کشاورزان از عضویت در آن انصراف داده و بصورت انفرادی کار می‌کنند. این گونه مسائل بیشتر در کشورهای جهان سوم مانند کشور ایران به چشم می‌خورد. در این گونه کشورها، علاوه بر مشکلات زیربنایی و کمبود خدمات و تجهیزات کشاورزی ناشی از ضعف برنامه‌ریزی و سیاستگذاری‌های ملی و منطقه‌ای در مناطق روستایی و بخش کشاورزی، مسائل مربوط به برنامه‌ریزی و اصول و قوانین بخش تعاونی که در برخی موارد با محیط‌های روستایی همخوانی ندارند، نیز دخیل هستند. نتیجه این عوامل موجب می‌شود که برخی شرکتهای تعاونی کشاورزی در نیمه راه از ادامه کار خود مأیوس شوند و نتوانند شرکت تعاونی را پابرجا نگه دارند.

بنابراین آسیب شناسی تعاونی‌های کشاورزی، یکی از راههای مؤثر بمنظور برنامه‌ریزی جهت توسعه و بهبود عملکرد تعاونیها و تشویق و سازماندهی کشاورزان در قالب شرکتهای تعاونی است. برای این منظور، کالبد شکافی و شناخت اصول، قوانین و ساختار و وظایف تعاونی از یک سو، و شناسایی مسائل و مشکلات نواحی روستایی و بخش کشاورزی از سویی دیگر، می‌تواند نقش بسزایی در برنامه‌ریزی و سیاستگذاری‌های ملی و منطقه‌ای، در جهت کاهش موانع و مشکلات تعاونی‌های کشاورزی و افزایش بهره‌وری آنها داشته باشد.

در شهرستان خدابنده نیز، ۵۲٪ اقتصاد شهرستان بر پایه فعالیت‌های کشاورزی است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶). از این‌رو، توسعه کشاورزی می‌تواند نقش مهمی در توسعه اقتصادی- اجتماعی شهرستان داشته باشد. در این زمینه یکی از راههای حمایت از بخش کشاورزی، توسعه تعاونی‌های کشاورزی می‌باشد. بدین شکل که تعاونی‌ها می‌توانند کشاورزان را در قالب نهادی اقتصادی- اجتماعی سازماندهی کرده تا با مشارکت یکدیگر و حمایت بخش دولتی در زمینه گسترش فعالیت‌های کشاورزی و حل مشکلات آن گامهای مؤثری بردارند. البته وجود ۳۴۰ تعاونی کشاورزی با ۲۸۰۳ نفر عضو در شهرستان، نشان دهنده تمایل کشاورزان برای توسعه تعاونی در این منطقه می‌باشد. اما یکی از مشکلات قابل تأمل در این زمینه، گسترش تعاونی‌های کشاورزی غیرفعال در شهرستان خدابنده است. بطوری که بر اساس آمار سال ۱۳۸۸، ۳۴ تعاونی کشاورزی غیر فعال در شهرستان وجود دارد که حدود ۱۰٪ کل تعاونی‌های کشاورزی شهرستان را تشکیل می‌دهد (اداره تعاون زنجان، ۱۳۸۸). این عامل از یکطرف موجب دلسردی سایر تعاونگران از تعاونی شده و از طرف دیگر مانع از جذب سایر کشاورزان به سمت فعالیت‌های تعاونی می‌شود.

یکی از راهکارهای اساسی برای جلوگیری از گسترش چنین جریانی، شناخت و ریشه‌یابی علل ناکامی تعاونی‌ها و ارائه راه حل مناسب در این زمینه است. بهترین کار برای ریشه‌یابی مسائل و مشکلات تعاونی‌ها، مطالعه و بررسی تعاونی‌های ناموفق و آگاهی از علل ناکامی آنها می‌باشد. تا از این طریق، با شناخت مسائل و مشکلات پیش روی تعاونگران، برای جلوگیری از غیر فعال شدن تعاونی‌های بیشتر و همچنین احیاء تعاونی‌های غیر فعال، راهکارهای لازم را شناسایی شوند. بنابراین پژوهش حاضر با هدف مطالعه و بررسی موردی تعاونی‌های غیرفعال در شهرستان خدابنده درصدد شناسایی علت غیر فعال شدن این تعاونی‌ها می‌باشد.

مفاهیم نظری و پیشینه تحقیق:

- **تعاونی کشاورزی:** نوعی نظام بهره‌برداری مبتنی بر تعاون است که در آن بهره‌برداران با کشت یکپارچه و با حفظ مالکیت فردی به تولید و زراعت جمعی می‌پردازند (از کیا، ۱۳۸۲: ۲۰)،
- **تعاونی فعال:** شرکت تعاونی است که به بهره‌برداری رسیده و دارای عملکرد مالی سالیانه می‌باشد و به نحوی تولید داشته و یا ارائه خدمات نماید (www.icmportal.ir).
- **تعاونی در دست اجرا:** شرکت تعاونی که دارای عملکرد مالی است ولی هنوز به بهره‌برداری نرسیده است (قبلی، ص ۲۳).
- **تعاونی غیر فعال:** شرکت تعاونی که بیش از یک سال عملکرد مالی نداشته باشد.
- **تحلیل دلفی:** روش دلفی، به عنوان یک روش ساخت‌گرایی در دهه ۱۹۵۰ مطرح شد (Woudenberg, 1991: 132). و بیشتر در مواقعی به کار می‌رود که شناخت افراد جامعه آماری برای پژوهشگر دشوار باشد (saunders & et al, 2003: 171). این روش برای ایجاد اجماع و توافق عمومی بین اعضاء در مورد موضوعی خاص به کار می‌رود. و شامل دوره‌های متوالی پرسشنامه‌ها به همراه بازخوران کنترل شده‌ای است که می‌خواهد اتفاق نظر میان یک گروه متخصص درباره یک موضوع خاص را مشخص کند (قبلی، ص ۱۰۱). بدین ترتیب، مطالعات دلفی یکی از روش‌های گروهی نسبی می‌باشد که دقت آن وابسته به میزان وسعت نظر و اطلاعات منابع مورد مطالعه برنامه‌ریز دارد (Cuhls, 2004: 93) و هر چه منابع یا جامعه آماری، اطلاعات بیشتر و منطقی‌تری ارائه دهند، فرآیند پژوهشی نیز دقیق‌تر خواهد بود.
- در زمینه آسیب‌شناسی تعاونی‌های کشاورزی، مطالعات گوناگونی در اقصی نقاط جهان انجام شده است. از جمله: روسو و ساباتیینی (۲۰۰۲) در پژوهشی با عنوان «روشهای مدیریت عادلانه در تعاونی‌های کشاورزی با رویکرد تحلیل خوشه‌ای» به مقایسه تعاونی‌ها در منطقه جنوب ایتالیا پرداختند. و به این نتیجه رسیدند که، نبود مدیریت کارآمد و تقسیم کار ناعادلانه و ضعیف در تعاونی‌های کشاورزی ایتالیا موجب بروز اختلاف بین اعضا تعاونی شده که در نهایت به انحلال تعاونی منجر می‌شود. آنها پیشنهاد می‌کنند که در شرکت‌های تعاونی آموزش قبل از تشکیل تعاونی در زمینه مشارکت اعضاء و روشهای مدیریت صحیح بصورت سلسله‌مراتبی می‌تواند در کاهش تنشهای درون سازمانی موفقیت آمیز باشد. همچنین گری و کریمول (۲۰۰۲) در یک مطالعه بنیادی با عنوان «مشکلات و مسائل پیش روی تعانی‌های کشاورزی» به ریشه‌یابی علل ناکامی تعاونی‌ها در کشورهای جهان سوم پرداختند. آنها ضعف در مهارت‌های شغلی، اختلاف بین اعضاء و مدیریت نادرست، و تغییر شرایط بازار و عدم انطباق تعاونی‌ها با شرایط جدید و ناپایداری و غیر قابل پیش بینی بودن شرایط طبیعی مناطق را از مشکلات اصلی تعاونی‌های کشاورزی عنوان کردند. و پیشنهاد می‌کنند که توسعه بیمه، برگزاری کلاسهای آموزشی تخصصی در کشورهای جهان سوم و توسعه اعتبارات بخش کشاورزی می‌تواند در کاهش این مشکلات مؤثر باشد.
- پراکاش (۲۰۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «انتقال تجربیات تعاونی‌های کشاورزی ژاپن به تعاونی‌های کشورهای در حال توسعه»، به مقایسه وضعیت تعاونی‌های کشور ژاپن با سایر کشورهای در حال توسعه پرداخت. و به این نتیجه می‌رسد که، تعاونگران در کشورهای جهان سوم از کمبود اعتبارات، ضعف آموزش و مدیریت رنج می‌برند. وی توسعه اعتبارات بخش کشاورزی و آموزش صحیح کشاورزان و تعاونگران را از عوامل مهم در موفقیت تعاونی‌ها می‌داند. اوزدمیر (۲۰۰۵) نیز در مقاله- ای با عنوان «دلایل ناکامی شرکتهای تعاونی کشاورزی در کشور ترکیه»، وضعیت تعاونی‌ها در ترکیه را از زمان آتاتورک تا به امروز مرور می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که، ضعف سرمایه، یکپارچه‌سازی، آموزش و پژوهش، مدیریت، قانون و ممیزی از دلایل اصلی ناکامی تعاونی‌های کشاورزی است.
- ایرل در سال (۲۰۰۹) نیز در مقاله‌ای با عنوان «تعاونی‌های در حال انتقال در ایالات گرین کروز و آگریکور در غرب کانادا» به بررسی وضعیت تعاونی‌های کشاورزی پرداخت. وی به این نتیجه رسید که تعاونی‌ها ممکن است در نیمه راه از فعالیت فعلی خود ناراضی بوده یا اینکه به علت پرداختن به یک بخش خاص، تمایل به تغییر گرایش تعاونی داشته باشند. وی نیز پیشنهاد کرد که تعاونی‌ها را باید از طریق آموزش و حمایت اعتباری، به تخصص مورد نظر هدایت کرد.

باند و همکاران (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای تحت عنوان «شکست تعاونی: درسهایی از انجمن پرورش دهندگان برنج کالیفرنیا»، به این نتیجه رسیده بودند که، به علت منفعل بودن هیئت مدیره و عدم تخصص در ارائه راه کارهای مناسب در شرایط مختلف بازار، شرکت تعاونی دچار استرس‌های قابل توجه مالی می‌شد. که در نهایت به انحلال این تعاونی‌ها انجامید. وی پیشنهاد می‌کند که هیئت مدیره باید مهارت‌های مالی و استراتژی‌های مدیریتی خود را تقویت کنند تا بتوانند به رقابت در بازار بپردازند.

استوفران (۲۰۱۰) در مطالعه پژوهشی با عنوان «تبدیل تعاونی‌ها به شرکت‌هایی با مسئولیت محدود در داکوتای جنوبی»، وضعیت شرکت‌های تعاونی در حال انتقال را بررسی کرد. وی در مطالعات خود نشان داد که تعاونی‌ها در حال تغییر از ساختار اصلی خود به شرکت‌های تخصصی‌تر هستند. این تعاونی‌ها به علت شرایط اقتصادی حاکم و تخصص‌گرایی، در حال کوچک شدن و تضعیف هستند. وی در این زمینه پیشنهاد می‌کند که اعطای تسهیلات نمی‌تواند به بازگشت آنها کمک کند. و باید این شرکت‌ها را بر اساس سلیقه اعضاء، به بخش مورد نظر هدایت کرد. خفایی (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان «عوامل مؤثر بر عدم موفقیت تعاونی‌های کشاورزی شهرستانهای بوشهر و دشتستان» به این نتیجه می‌رسد که، عدم همکاری دستگاههای اجرایی، گرانی مواد اولیه، بالا بودن کارمزد بانکی و خدمات نامطلوب بازاریابی از عوامل اصلی عدم موفقیت تعاونی‌ها می‌باشد. از نظر وی، توسعه آموزش و بازاریابی، توجه به بخش کشاورزی، و افزایش اعتبارات و تسهیلات تعاونی‌ها می‌تواند به احیاء تعاونی‌ها کمک کند.

روش تحقیق:

تحقیق حاضر از لحاظ نوع هدف، کاربردی می‌باشد، و در پی ریشه‌یابی علل وجود کاستی‌ها و مشکلات در موضوع مورد نظر است. بنابراین از شیوه پژوهشی توصیفی - تحلیلی بهره گرفته است. برای گردآوری داده‌ها، از شیوه مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه و توزیع پرسشنامه میان اعضاء جامعه آماری استفاده شده است. با توجه به اینکه جامعه آماری در قالب شرکت‌های تعاونی، در گذشته فعالیت می‌کرد و در حال حاضر بنا به دلایلی از هم گسیخته و پراکنده شده‌اند، امکان گردآوری داده‌ها، سخت و پیچیده شده است و مطالعات میدانی با مشکلات فراوانی روبرو می‌باشد. بنابراین برای حل مشکل اطلاعاتی و رسیدن به نتیجه درست و امکان ویرایش اطلاعات در چند مرحله از روش تحلیل دلفی استفاده شده است. روش دلفی در تحقیق حاضر برای گردآوری داده‌های دقیق و قابل تبیین از جامعه آماری، از طریق پرسشنامه در طی چهار مرحله بکار گرفته شده است (نمودار شماره ۱).

برای محاسبه میزان همبستگی آراء جامعه آماری در مراحل مختلف از ضریب کندال تاؤ-B استفاده شده است. این ضریب نشان می‌دهد که، افرادی که چند گزینه را براساس اهمیت آنها مرتب کرده‌اند، معیارهای مشابهی را برای قضاوت درباره اهمیت هر یک از گزینه‌ها بکار برده‌اند و از این نظر با یکدیگر اتفاق نظر دارند. مراحل این ضریب به ترتیب زیر می‌باشد (Kendall, 1938: 81-93):

$$TB = n_c - n_d / \sqrt{(n_o - n_1)(n_o - n_2)}$$

مناسبات بین بخشهای مختلف فرمول به شرح زیر است؛

$$n_o = n(n - 1) / 2$$

$$n_1 = \sum_i t_i(t_i - 1) / 2$$

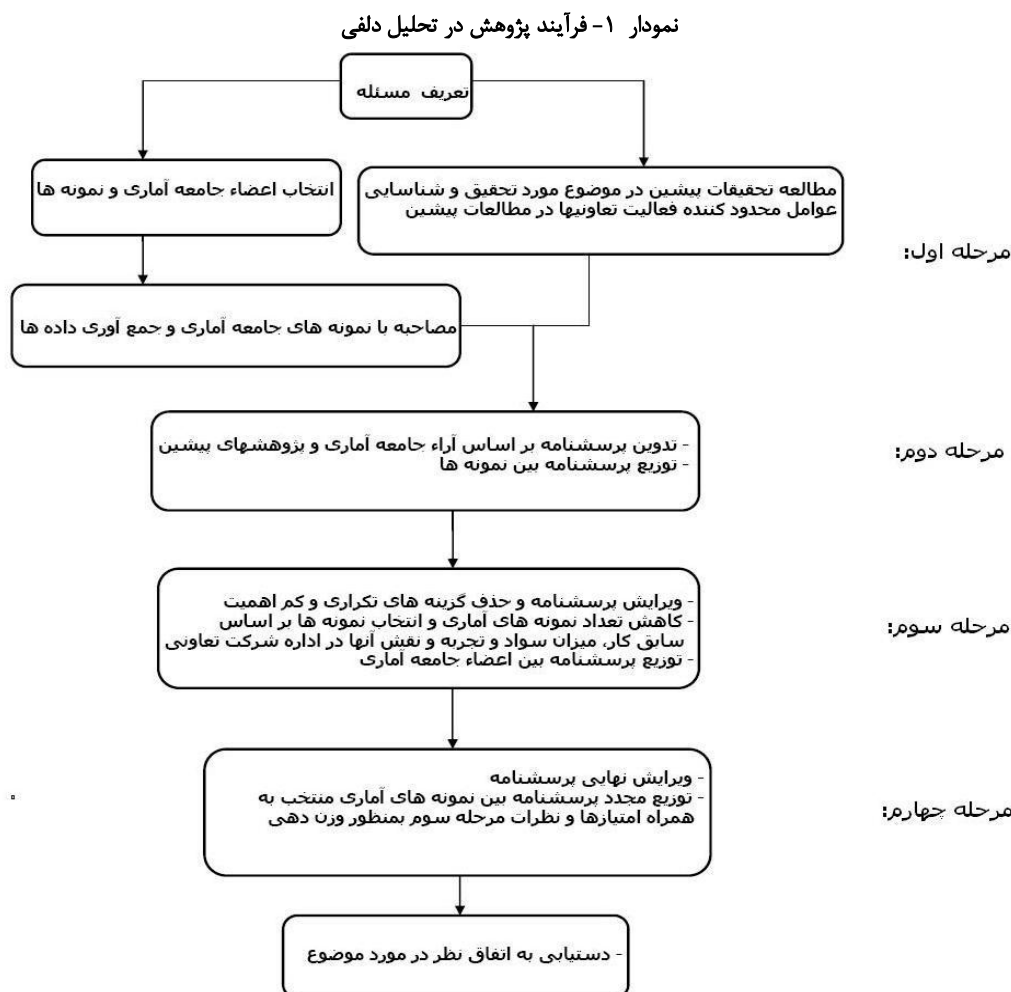
$$n_2 = \sum_j u_j(u_j - 1) / 2$$

n_c = تعداد زوج هماهنگ

n_d = تعداد جفت ناسازگار

t_i = تعداد ارزشهای مرتبط در گروه j^{th} مرتبط با اولین مقدار

u_j = تعداد ارزشهای مرتبط در گروه j^{th} مرتبط با دومین مقدار

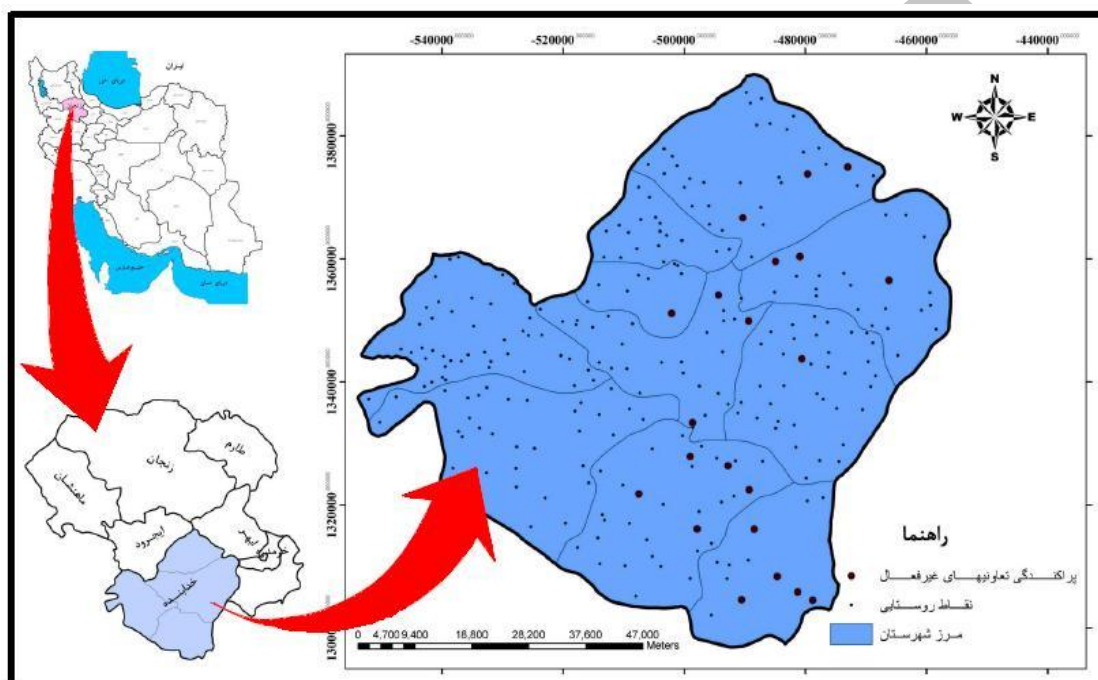


یکی از مسائل مهم در تحلیل دلفی تشکیل پانل دلفی است. زیرا روش دلفی با مشارکت افرادی انجام می‌شود که در زمینه موضوع تحقیق، دانش و تخصص کافی داشته باشد. بدین ترتیب گزینش اعضای واجد شرایط برای پانل دلفی، مرحله‌ای مهم از پژوهش است. از این رو که، اعتبار نتایج کار بستگی به شایستگی و دانش این افراد دارد. در شهرستان خدابنده تا سال ۱۳۸۸ حدود ۳۴۰ شرکت تعاونی کشاورزی فعال و ۳۴ تعاونی کشاورزی غیرفعال وجود دارد. از این رو، جامعه آماری شامل ۳۴ شرکت تعاونی کشاورزی غیرفعال با ۲۶۳ نفر عضو سابق می باشد. با توجه به اینکه تمامی شرکتها به علت تعلیق فعالیتشان در گذشته قابل دسترس نیستند. و همچنین برخی از اعضای شرکت‌های شناسایی شده، حاضر به پاسخ گویی نشدند. برای مطالعه جامعه آماری از دو روش نمونه‌گیری استفاده کردیم. بدین صورت که در اولین روش نمونه‌گیری، هر کدام از شرکت‌هایی که در دسترس بوده و نیز حاضر به همکاری شدند را به عنوان نمونه آماری انتخاب کردیم. در نتیجه روش نمونه‌گیری اولیه بصورت نمونه‌گیری اتفاقی انجام شد. بدین ترتیب ۱۴ شرکت تعاونی با ۹۳ نفر عضو سابق برای پاسخ گویی به سؤالات مرحله اول و دوم تحلیل دلفی انتخاب شدند. در ادامه برای نمونه‌گیری جامعه آماری مرحله سوم و چهارم، جهت انتخاب اعضای پانل دلفی، از نمونه‌گیری کارشناسی یا دلفی استفاده شد. در این روش پژوهشگر برای کسب آراء درباره موضوع پژوهش به گروهی از کارشناسان و صاحب‌نظران موضوع پژوهش مراجعه می‌کند و تمام یا بخشی از جامعه آماری آن تخصص را مورد بررسی قرار می‌دهد. زیرا پاسخ به سؤالات این مراحل نیاز به متخصصان واجد شرایطی دارد که درک و دانش عمیقی از موضوع پژوهش داشته باشد. بدین ترتیب، اعضای جامعه آماری از ۹۳ نفر به ۵۲ نفر کاهش یافت. طبق نظر استوری و همکاران نیز، جامعه آماری در تحلیل دلفی باید از ۱۰ تا ۲۰ نفر کمتر نباشد (story et al, 2001: 492).

محدوده مورد مطالعه:

شهرستان خدابنده از توابع استان زنجان می باشد. این شهرستان با ۵۱۵۱ کیلومتر مربع وسعت، در طول جغرافیایی ۵۱° ۴۷' تا ۵۷° ۴۸' شرقی و عرض جغرافیایی ۳۵° ۳۵' تا ۳۶° ۲۵' شمالی قرار دارد. از نظر توپوگرافی، عموماً منطقه دشتی بوده و متوسط ارتفاع آن ۲۰۵۰ متر از سطح دریا می باشد. بر اساس سرشماری ۱۳۸۵، این شهرستان دارای ۴ بخش، ۱۰ دهستان و ۱۶۱۶۹۶ نفر جمعیت می باشد. بر اساس تقسیمات اقلیمی، شهرستان خدابنده در منطقه اقلیمی سرد (کوهستانهای غربی) قرار دارد و دارای زمستان سرد و تابستان معتدل است.

از نظر اقتصادی، کشاورزی مهم ترین منبع درآمدی ساکنین شهرستان بشمار می آید. طبق آمار سال ۱۳۸۵ از ۴۸۶۰۶ نفر شاغل بالای ۱۰ سال شهرستان، ۲۰۹۷۰ نفر یعنی ۵۲٪ در بخش کشاورزی مشغول هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶). این در حالی است که آمار تعاونی های کشاورزی در منطقه بیش از سایر تعاونی ها می باشد. بطوری که از ۸۰۴ شرکت تعاونی تا سال ۱۳۸۸، حدود ۵۳۸ شرکت تعاونی (۶۷٪) در بخش کشاورزی تشکیل شده است.



شکل ۱- نقشه موقعیت محدوده مورد مطالعه در استان زنجان و کشور

یافته های تحقیق:**تحلیل دلفی:**

بر اساس روش دلفی، گردآوری داده ها از طریق مصاحبه و توزیع پرسشنامه در چهار مرحله انجام شد. در مرحله اول طبق مطالعه پژوهش های پیشین در مورد آسیب شناسی تعاونی های غیرفعال، فهرستی از سوالات در مورد علل غیرفعال شدن تعاونی ها تهیه و در اختیار نمونه های آماری قرار داده شد، تا علاوه بر اظهار نظر در مورد آنها، دلایل خود را نیز در مورد علل عدم موفقیت شرکت های تعاونی خود بنویسند. بدین ترتیب در این مرحله فهرستی از مسائل و مشکلات تعاونی ها به شرح جدول شماره ۱ تهیه گردید؛

در مرحله دوم پرسشنامه مرحله اول تکمیل شد، و نظرات جامعه آماری نیز به آن اضافه گردید. و در نهایت پرسشنامه دوم بین اعضاء جامعه آماری توزیع شد، تا علاوه بر آگاهی از عقاید و نظرات یکدیگر در مورد مسائل و مشکلات تعاونی ها، گزینه های مهم را انتخاب کنند. از این رو، گزینه هایی که از نظر جامعه آماری دارای تأثیر زیاد و خیلی زیاد بودند، انتخاب شدند و مابقی حذف شدند. همچنین دیگر دستاورد مرحله دوم این بود که، علاوه بر خلاصه کردن گزینه ها، نمونه های آماری

نیز مشخص شد. بدین ترتیب، برای مرحله سوم ۹۳ نمونه آماری به ۵۲ نفر کاهش یافت. از طرفی تعداد گزینه‌های پرسشنامه نیز به ۲۱ گزینه کاهش یافت (جدول شماره ۲). دلیل کاهش نمونه‌ها و گزینه‌ها در این بود که افراد با سواد و با تجربه و متخصص برای مراحل سوم و چهارم انتخاب شوند. این عامل باعث می‌شد پاسخ دهنده‌ها هم وقت بیشتری در تحلیل سؤالات داشته باشند و هم اینکه مصاحبه کننده وقت بیشتری برای مصاحبه با نمونه‌های آماری جهت تحلیل مسائل اختصاص دهد.

مرحله سوم به عنوان مرحله پیش تحلیل محسوب می‌شود که در آن اعضا بدون آگاهی از عقاید یکدیگر در مورد مسائل مطرح شده در پرسشنامه اظهار نظر می‌کنند. سپس تحلیل نهایی به مرحله چهارم موكول می‌شود. در این مرحله علاوه بر امتیازدهی برای گزینه‌ها، بخشی نیز به عنوان ملاحظات نظری در نظر گرفته شد تا اعضا نسبت به وضعیت گزینه‌ها اعمال نظر کنند. و خلاصه‌ی این آراء، در مقابل هر گزینه برای پرسشنامه چهارم آورده شد. نتایج حاصل از مرحله سوم در جدول شماره ۲ آورده شده است. در مرحله چهارم امتیازات هر کدام از گزینه‌ها به همراه خلاصه اعمال نظرها در مرحله قبل در مقابل سؤالات یا گزینه‌ها ذکر شد تا اعضا جامعه آماری از عقاید و نظرات یکدیگر با خبر شوند. این کار باعث می‌شد که، اعضا با آگاهی از نظرات یکدیگر در مورد گزینه‌ها، در امتیاز دهی به گزینه‌ها بصورت طیفی آگاهانه‌تر عمل کنند. نتایج حاصل از مرحله چهارم در جدول شماره ۲ آورده شده است.

Archive of SID

جدول ۱- فهرست مسائل و مشکلات تعاونی، حاصل از مطالعات میدانی و کتابخانه ای در مرحله اول

ردیف	شاخصها	ردیف	شاخصها
۱	فقدان دسترسی به اطلاعات بویژه در زمینه فروش کالاها و خدمات	۲۷	بالا بودن کارمزد تسهیلات بانکی و فرآیند طولانی پرداخت
۲	عدم همکاری بانک در زمینه قسط بندی مناسب اقساط بانکی	۲۸	کمبود نیروی انسانی متخصص و بالا بودن هزینه استخدام آنها
۳	مصادره اموال شرکت توسط بانک به علت عدم پرداخت بموقع اقساط	۲۹	نبود انگیزه در اعضاء برای استمرار فعالیت و سرمایه گذاری
۴	درخواست وثیقه بانکی معتبر و اخذ ضمانت‌های مضاعف برای تامین اعتبار طرحهای بنگاههای کوچک	۳۰	اعمال فشارهای غیر ضروری بر تعاونیهای در شرف تاسیس از طرف برخی کارشناسان ادارات و ناظران بانکها
۵	فقدان فرهنگ سازی در زمینه نهادینه کردن تعاون در اقشار مختلف جامعه	۳۱	اهمال کاری و واگذاری مسئولیتها به یکدیگر و پشت گوش انداختن وظایف
۶	ناکارآمدی نظام بانکی در ارائه وام به علت وجود قوانین دست و پا گیر و دیوانسالاری پیچیده	۳۲	بی توجهی به اهمیت تحقیق و پژوهش توسط تعاونیها و عدم دسترسی به فناوری پیشرفته
۷	تنظیم نادرست اساسنامه تعاونی در بدو تاسیس شرکت و مشکلات قانونی و حقوقی پس از آن	۳۳	ضعف خدمات بازاریابی (واسطه گران خوب، سردخانه، انبار، سیلو و...) و قیمت پایین محصولات
۸	ضعف خودیاری و پس انداز در بین اعضاء	۳۴	مشکلات خدمات حمل و نقل تولیدات به بازار
۹	آشنایی محدود و ناقص از سیستم دیوانسالاری ادارات دولتی و غیردولتی	۳۵	کمبود نقدینگی شدید در بین تولیدکنندگان به علت افزایش قیمت تولید
۱۰	پراکنده شدن تدریجی اعضاء و عدم همکاری و هماهنگی آنها با یکدیگر	۳۶	اطلاعات ناچیز از اصول مدیریت مالی و نحوه گزارش گردش مالی شرکت
۱۱	بالا بودن هزینه های تامین نهاده های کشاورزی نسبت به بازده شرکت تعاونی	۳۷	فقدان انگیزه کافی در بین متخصصان برای فعالیت در بطن کارها در مناطق روستایی
۱۲	انتظارات نابجا و غلط اعضا از شرکت تعاونی به علت عدم آموزش صحیح	۳۸	وجود روشهای دشوار اخذ تسهیلات از بانکها و موسسات مالی و اعتباری
۱۳	ماهیت تعاونی (برخی تعاونیها توسط اعضاء یک خانواده جهت بر خورداری از تسهیلات تعاونی تشکیل می شود که در مواجهه با قوانین و اصول تعاونی و شرایط پیچیده اعطای تسهیلات، از ادامه کار خود انصراف می دهند)،	۳۹	پراکندگی سکونتگاههای روستایی و مشکل دسترسی به نهادهای تعاونگر و همچنین مشکل دسترسی نهادهای تعاونگر به روستاها
۱۴	کمبود نیروی انسانی کارآمد به دلیل کمبود فعالیتهای آموزشی- ترویجی جهت دهی شده	۴۰	ضعف همکاری دستگاههای اجرایی استان و شهرستان در جهت رفع مشکلات تعاونی
۱۵	عدم امکان تامین وثیقه	۴۱	عدم همکاری صندوق تعاون استان در تامین سرمایه مورد نیاز
۱۶	ضعف در بازاریابی محصولات	۴۲	وجود مشکلات حقوقی در زمینه سند زمین
۱۷	روشهای دشوار اخذ تسهیلات از بانکها	۴۳	وجود مشکلات مالی و اعتباری در شرکت تعاونی
۱۸	تغییر فعالیت اعضاء شرکت	۴۴	تاخیر در پرداخت اعتبارات مربوط به طرحها
۱۹	ضعف نظام بازرسی و کنترل	۴۵	نبود اطلاع رسانی در زمینه تجارت و بازاریابی
۲۰	اشتغال اعضاء تعاونی در جایی دیگر	۴۶	وجود روابط خانوادگی و سنتی بین اعضاء
۲۱	ناچیز بودن سرمایه شرکت تعاونی	۴۷	عدم حمایت مسئولان و مسائل مالی تعاونی ها
۲۲	نبود آموزش حرفه ای	۴۸	کمبود سرمایه شرکت جهت ادامه فعالیت
۲۳	ضعف قوانین مرتبط با حمایت از فعالیتهای تعاونی	۴۹	فعالیت ناچیز اتحادیه ها و تشکلهای مرتبط
۲۴	نبود آگاهی در زمینه نحوه پیروی از اصول تعاون	۵۰	دور بودن محل سکونت و محل فعالیت اعضاء از هم
۲۵	ضعف مدیریت در تعاونیها به دلیل عدم آموزش کافی	۵۱	عدم احتساب تورم در ارائه طرحهای توجیهی
۲۶	پایین بودن تحصیلات اعضاء و خرده پا بودن اعضاء	۵۲	سیاستهای دولت در زمینه اخذ مالیات، عوارض و قانون کار

مأخذ: یافته های کتابخانه ای نگارندگان، ۱۳۹۰.

جدول ۲- نتایج پرسشنامه مرحله سوم و چهارم تحلیل دلفی

مرحله چهارم			مرحله سوم			وزنها گزینه‌ها
نسبی وزن	امتیاز	رتبه	نسبی وزن	امتیاز	رتبه	
۰.۰۶۳	۲۳۹	۲	۰.۰۵۶	۲۰۴	۲	Q ₁ . درخواست وثیقه بانکی معتبر و اخذ ضمانت‌های مضاعف...
۰.۰۶۴	۲۴۳	۱	۰.۰۵۷	۲۰۹	۱	Q ₂ . ناکارآمدی نظام بانکی در ارائه تسهیلات به علت وجود قوانین ...
۰.۰۵۵	۲۰۹	۷	۰.۰۵۰	۱۸۱	۸	Q ₃ . اشتغال اعضاء تعاونی در جایی دیگر
۰.۰۲۷	۱۰۲	۲۰	۰.۰۳۸	۱۴۰	۲۰	Q ₄ . دور بودن محل سکونت و محل فعالیت اعضاء از هم
۰.۰۵۶	۲۱۴	۶	۰.۰۵۴	۱۹۸	۳	Q ₅ . کمبود نیروی انسانی کارآمد بدلیل کمبود فعالیتهای آموزشی...
۰.۰۲۲	۸۵	۲۱	۰.۰۳۸	۱۳۸	۲۱	Q ₆ . انتظارات نابجای اعضاء از تعاونی
۰.۰۵۵	۲۱۱	۸	۰.۰۴۸	۱۷۶	۱۰	Q ₇ . وجود مشکلات مالی و اعتباری در شرکت تعاونی
۰.۰۳۲	۱۲۲	۱۹	۰.۰۳۹	۱۴۳	۱۹	Q ₈ . اعمال فشارهای غیرضروری بر تعاونی‌های در شرف تاسیس...
۰.۰۳۹	۱۴۸	۱۷	۰.۰۴۴	۱۵۹	۱۷	Q ₉ . بی توجی به تحقیق و پژوهش
۰.۰۳۵	۱۳۴	۱۸	۰.۰۴۱	۱۵۱	۱۸	Q ₁₀ . اهمال کاری و واگذاری مسئولیتها به یکدیگر در بین اعضاء...
۰.۰۶۰	۲۳۰	۴	۰.۰۵۳	۱۹۲	۴	Q ₁₁ . بالا بودن کارمزد بانکی
۰.۰۵۹	۲۲۵	۵	۰.۰۵۲	۱۸۹	۵	Q ₁₂ . کمبود سرمایه شرکت برای ادامه فعالیت
۰.۰۴۹	۱۸۵	۱۱	۰.۰۴۸	۱۷۴	۱۱	Q ₁₃ . اطلاعات ناچیز از اصول مدیریت و گردش مالی شرکت
۰.۰۵۴	۲۰۷	۹	۰.۰۵۱	۱۸۶	۶	Q ₁₄ . عدم آشنایی با سیستم دیوانسالاری اداری
۰.۰۴۰	۱۵۲	۱۶	۰.۰۴۴	۱۶۱	۱۶	Q ₁₅ . بالا بودن هزینه های تامین نهاده های کشاورزی
۰.۰۶۱	۲۳۴	۳	۰.۰۵۱	۱۸۵	۷	Q ₁₆ . عدم همکاری صندوق تعاون استان در تامین سرمایه
۰.۰۴۲	۱۶۱	۱۵	۰.۰۴۶	۱۶۶	۱۵	Q ₁₇ . ماهیت تعاونی
۰.۰۴۶	۱۷۶	۱۲	۰.۰۴۶	۱۶۹	۱۴	Q ₁₈ . نبود آموزش حرفه ای
۰.۰۴۵	۱۷۱	۱۳	۰.۰۴۷	۱۷۰	۱۳	Q ₁₉ . نبود بازرسی و کنترل
۰.۰۵۰	۱۹۱	۱۰	۰.۰۴۹	۱۷۹	۹	Q ₂₀ . فعالیت ناچیز اتحادیه ها و تشکلهای مرتبط با تعاونی
۰.۰۴۴	۱۶۷	۱۴	۰.۰۴۷	۱۷۳	۱۲	Q ₂₁ . عدم تنظیم صحیح اساسنامه در بدو تشکیل تعاونی و بروز ...

مأخذ: یافته های میدانی نگارندگان، ۱۳۹۰.

آزمون فرضیه‌های تحقیق:

نتایج حاصل از دوره‌های چهارگانه تحلیل دلفی مورد آزمون قرار گرفت. طبق یافته‌های این آزمون، بین اعضاء پانل دلفی در زمینه شاخص‌های مورد مطالعه، اتفاق نظر بوجود آمده است. دلایل این اتفاق نظر به شرح زیر است:

- بیش از ۷۳٪ از اعضاء پانل در مرحله چهارم، برای گزینه‌های اول تا پنجم امتیاز «خیلی زیاد (۵)» داده‌اند. و همچنین ۵۵٪ اعضاء نیز برای گزینه‌های ششم تا دهم امتیاز «خیلی زیاد (۵)» و زیاد (۴)» داده‌اند. این امر نشان دهنده‌ی اهمیت تقریباً یکسان گزینه‌های اول تا دهم برای جامعه آماری است.

- وزن نسبی گزینه‌ها در مرحله سوم نزدیک به هم است. این نشان می‌دهد که اعضاء در مرحله سوم امتیازات متوسط برای گزینه‌ها در نظر می‌گرفتند. اما وقتی از کل امتیازات در پرسشنامه مرحله چهارم آگاه شدند. سعی کردند از میانه روی دوری کرده و به اولویت‌بندی منطقی‌تر دست بزنند. بدین‌سان، در مرحله چهارم وزن نسبی گزینه‌ها اختلاف زیادی باهم دارد. بطوری که حداقل و حداکثر وزن نسبی در مرحله سوم ۰.۰۳۸ و ۰.۰۵۷ است. در حالی که حداقل و حداکثر وزن نسبی در مرحله چهارم ۰.۰۲۲ و ۰.۰۶۴ است.

- انحراف معیار گزینه‌های پاسخ داده شده توسط اعضاء از ۰.۳۸۲ در مرحله سوم به ۰.۸۸۳ در مرحله چهارم افزایش یافته است. این عامل نشانگر خارج شدن آراء پانل دلفی از میانه نگری به توزیع سلسله‌مراتبی و اولویت بندی بر حسب درجه اهمیت است.

- ضریب همبستگی کندال - تائو برای آراء پانل دلفی در مرحله چهارم در زمینه ترتیب اهمیت گزینه‌ها ۰.۶۱۱ بود. این میزان ضریب برای ۵۲ نفر عضو پانل نشانگر وجود همبستگی بین افراد در زمینه اولویت اهمیت گزینه‌ها می‌باشد.

- همچنین ضریب همبستگی کندال - تائو برای آراء پانل دلفی بین مرحله سوم و چهارم، ۰.۱۰۸ افزایش داشته است. این میزان افزایش برای مرحله چهارم نسبت به مرحله سوم، نشانگر افزایش اتفاق نظر بین اعضاء پانل در زمینه اهمیت گزینه‌ها می‌باشد.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها:

بر اساس یافته‌های تحلیل دلفی، کشاورزان مشکل اصلی تعاونی خود را بر کمبود سرمایه و تامین اعتبارات متمرکز کرده‌اند. آنها مشکلات درون سازمانی را در نارسائی‌ها و کاستی‌های ناشی از ضعف حمایتی اداره تعاون شهرستان و استان در نحوه ارائه خدمات جستجو می‌کنند. از جمله مسائلی که تعاونگران با آن مواجه بودند به شرح زیر می‌باشد؛

۱. بیش از ۷۰٪ از اعضاء پانل، ناکارآمدی نظام بانکی در ارائه تسهیلات را، مهم‌ترین مشکل در انصراف دادن آنها از تعاونی عنوان کرده‌اند. آنها معتقدند که بسیاری از قوانین و مقررات مربوط به ارائه خدمات، بویژه در زمینه تامین اعتبارات، پیچیده و سختگیرانه است. به نظر آنها به نسبت خدمات و تسهیلاتی که تعاون در اختیار آنها قرار می‌دهد طی کردن این مراحل، وقت-گیر و هزینه‌بر است و مقرون به صرفه نیست.

۲. اکثر کشاورزان فاقد سند مالکیت زمین و مسکن هستند. از طرفی اسناد اراضی روستایی به صورت مشاع است. این در حالی است که یکی از شرایط اعطای وام، داشتن وثیقه معتبر از جمله سند زمین یا کارمند رسمی است. در نتیجه کشاورزانی که فاقد این شرایط هستند نمی‌توانند اعتبارات لازم از بانک دریافت کنند.

۳. صندوق تعاون یکی از مواردی است که تعاونگران در صورت لزوم و داشتن طرح توجیهی مناسب و زودبازده، می‌توانند از طریق اداره تعاون از آن استفاده کنند. اما همه اعضاء پانل عنوان کردند که موفق به دریافت هیچ گونه کمکی از این صندوق نشده‌اند و این عامل موجب دلسردی آنها از تعاون شده است.

۴. کارمزد تسهیلات بانکی، یکی دیگر از مشکلات تعاونگران می‌باشد. ۷۱٪ از اعضا پانل دلفی این میزان را برای فعالیت‌های کشاورزی، با وجود ناپایداری شرایط طبیعی و اقتصادی، بسیار زیاد عنوان کرده‌اند.

۵. کمبود سرمایه شرکت برای ادامه فعالیت‌های خود، عامل مهم دیگری است که موجب انصراف تعاونگران، از تعاونی شده است. شرکتهای تعاونی برای ادامه فعالیت باید مقداری از درآمد خود را بصورت سرمایه در شرکت تعاونی در قالب سهام پس-انداز کنند. و آن را به عنوان پس‌انداز حاصل از گردش مالی سالانه گزارش کنند. اما این شرکتهای به علت مشکلات مالی و کمبود نقدینگی، از انجام پس‌انداز در شرکت خودداری می‌کردند. این عامل باعث کاهش سرمایه شرکت و عدم ارائه گزارش گردش مالی می‌شد. از طرفی دیگر این شرکتهای بنا به دلایل شخصی و قانونی موفق به دریافت اعتبارات لازم از طریق بانکها نمی‌شدند. این عامل باعث ناامید شدن اعضا از آینده تعاون می‌شد. و بتدریج اعضاء ساختار تعاونی را بی مصرف تلقی کرده و از آن خارج می‌شدند.

۶. کمبود نیروی انسانی متخصص در امور کشاورزی، از جمله مسائلی است که اکثر شرکتهای با آن مواجه بودند. بنابه گفته آنها، این عامل در توسعه مکانیزاسیون و تغییر الگوی کشت و همچنین ارائه طرح توجیهی، به عنوان مانعی برای نوآوری در فعالیت‌های تعاونی محسوب می‌شد.

۷. عامل دیگری که در فعالیت تعاونی‌ها وقفه ایجاد می‌کرد، اشتغال اعضا در جایی دیگر بود. از ۵۲ نفر عضو پانل دلفی، ۳۷ نفر علاوه بر کار کشاورزی، در شهرهای مختلف استان زنجان نیز مشغول به کار بودند. این عامل باعث بروز اختلافات بین اعضا و کم کاری در شرکت تعاونی می‌شد.

۸. عامل اصلی مشکلات مالی و اعتباری شرکتهای تعاونی، ناتوانی در دریافت وام از طریق تعاون می‌باشد. طبق مطالعه میدانی، فقط ۳۰٪ شرکتهای موفق به دریافت وام شدند و مابقی به علت عدم موفقیت در دریافت وام، از تعاونی انصراف دادند.
۹. اکثر کشاورزان بی‌سواد هستند و اعضاء باسواد تعاونی نیز چندان باسیستم دیوانسالاری اداری آشنایی ندارند. در این زمینه ۶۵٪ پانل دلفی از پیچیدگی سیستم اداری در ارائه تسهیلات ناراضی بودند.
۱۰. در بین اعضا پانل دلفی تنها ۸٪ اظهار داشتند که برای حل مشکلات خود به اتحادیه تعاونی رفته‌اند. اما آنها مشکلات را حل نکرده‌اند.
۱۱. در بین اعضاء پانل دلفی، هیچ کدام دارای مدرک حسابداری یا مدیریت نبودند و ۸۰٪ آنها بطور کامل از سیستم‌های گردش مالی اطلاعات کافی نداشتند. این عامل نیز، نوعی بی‌میلی در ارائه گزارشهای مالی برای تعاونی‌ها بوجود می‌آورد.
۱۲. آموزش یکی از مراحل اصلی و اولیه تشکیل تعاونی است. حدود ۷۳٪ از اعضا این میزان آموزش را بسیار ناچیز عنوان کردند. ۳۲٪ اعضاء نیز معتقد بودند که در فرآیند آموزش، اطلاعات چندان در زمینه اصول، ساختار و قوانین تعاونی کسب نکردند.
۱۳. حدود ۶۵٪ از اعضاء پانل، نبود بازرسی و کنترل تعاونی‌ها از لحاظ نحوه فعالیت توسط اداره تعاونی را یکی از عوامل مهم در اهمال کاری و کم‌کاری تعاونی‌ها عنوان کرده‌اند.
۱۴. برخی از تعاونی‌ها، به علت عدم آموزش و مطالعه کافی در هنگام تنظیم اساسنامه تشکیل تعاونی، با مشکل مواجه شده‌اند. این عامل در تهیه طرح توجیهی برای دریافت اعتبارات و تهیه گزارش گردش مالی سالانه، شرکت تعاونی را با مشکلات متعددی مواجه کرده است.
۱۵. برخی از تعاونی‌ها فقط از لحاظ اسمی عنوان تعاونی را به یدک می‌کشند. در حالی که این تعاونی با سرمایه یک نفر و با همکاری اعضاء خانواده تشکیل شده است. اکثر این تعاونی‌ها با یکبار دریافت وام یا عدم موفقیت در دریافت وام، تعاونی را منحل می‌کنند.
۱۶. ۲۰٪ از اعضا عنوان کردند که به منظور انجام فعالیت‌های کشاورزی و تأمین سرمایه لازم برای خرید نهاده‌ها، اقدام به تأسیس تعاونی نمودند. اما به علت عدم موفقیت در دریافت اعتبارات و گرانی هزینه نهاده‌ها، از ادامه کار منصرف شدند.
۱۷. ۴۵٪ از اعضاء پانل، بی‌توجهی به تحقیقات علمی و کمبود مطالعات در زمینه اصول و فعالیت‌های تعاونی را، از دیگر عوامل مهم در عدم موفقیت تعاونی‌ها عنوان کرده‌اند. به نظر آنها، این عامل در زمینه افزایش آگاهی تعاونگران در مورد انواع تعاونی‌ها، مقایسه شیوه فعالیت تعاونی‌های موفق و ناموفق و همچنین روش‌های افزایش بهره‌وری می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد.
۱۸. اختلاف سلیقه بین اعضا تعاونی و نبود مدیریت کارآمد برای تقسیم کار بین اعضا نیز موجب بروز اختلاف در تعاونی شده و اعضا را از مشارکت و همکاری بازداشته است. ۷۰٪ از اعضا این عامل را تأیید می‌کنند.
۱۹. ۳۶٪ از اعضا عنوان کردند که تشکیل تعاونی برای آنها بین ۱۲ تا ۱۸ ماه به طول انجامیده است. آنها معتقدند که برای تشکیل تعاونی بسیاری از کارها غیر ضروری است. و این امر، موجب خستگی و دل‌سردی ارباب رجوع می‌گردد.
۲۰. ۳۰٪ از اعضا عنوان کرده‌اند که محل زندگی آنها در شهر است. اما برای انجام فعالیت‌های کشاورزی مجبور بودند هفته‌ای چند بار به روستا مراجعه کنند. این عامل علاوه بر اتلاف سرمایه و زمان، موجب بروز اختلاف بین اعضا می‌شد.
۲۱. بسیاری از اعضاء تعاونی، به علت عدم آموزش صحیح، و مقایسه تعاونی خود با تعاونی‌های تولیدی کشاورزی زیر نظر وزارت جهاد کشاورزی، از اداره تعاون انتظارات خارج از اساسنامه تعاونی داشتند. حدود ۳۰٪ از اعضا به علت این نوع انتظارات، از تعاونی انصراف دادند.

نتیجه گیری:

با توجه به یافته های تحقیق، شرکت های تعاونی علاوه بر مشکلات برون سازمانی، با مسائل و مشکلات درون سازمانی نیز مواجه بودند. این در حالی است که، مسائل و مشکلات این شرکتها فقط به مسائل ساختاری- کارکردی تعاونی مربوط نمی شود و ضعف بخش کشاورزی در اقتصاد روستایی و نبود زیر ساختهای لازم در این زمینه نیز، بر عملکرد تعاونی ها تأثیر گذاشته بود. همچنین اگر درست ریشه یابی بکنیم، علت عمده گرایش کشاورزان به تشکیل شرکت های تعاونی، پیدا کردن راه حلی برای رفع کمبود سرمایه و مکانیزاسیون و برخی مسائل کالبدی- محیطی مانند کمبود منابع آب و خاک، وجود خشکسالی و مخاطرات طبیعی و ضعف بیمه کشاورزی، کمبود خدمات و تجهیزات کشاورزی در شهرستان، کمبود صنایع کشاورزی، محدودیت اراضی، مشکلات بازاریابی و... از طریق برخورداری از تسهیلات خدمات بخش تعاونی بوده است.

همان طور که گفته شد، کشاورزان شهرستان برای ارتقاء مشکلات ساختاری- کارکردی این بخش، به تشکیل تعاونی روی آورده اند. در این میان، عده ای توانسته اند تعاونی های خود را فعال و پویا نگه دارند و عده ای دیگر نیز به علت مشکلات متعددی چون عدم توانایی در دریافت کمکها و اعتبارات از سازمان تعاونی، مشکلات بین اعضاء تعاونی و عدم آموزش کافی در این زمینه نتوانستند به فعالیت خود در قالب تعاونی کشاورزی ادامه دهند. بدین ترتیب، عواملی از قبیل؛ عدم موفقیت تعاونگران در دریافت اعتبارات و تسهیلات از اداره تعاون به علت وجود بوروکراسی پیچیده، نبود نیروی انسانی ماهر و متخصص در شرکت- های تعاونی، اهمال کاری و اختلاف سلیقه و مشارکت ضعیف اعضاء با یکدیگر، اطلاع رسانی و آموزش ناچیز تعاونگران و کمبود سرمایه جهت تأمین نهاده های کشاورزی از مهم ترین عوامل مهم در غیرفعال شدن تعاونی های کشاورزی شهرستان می باشد. بنابراین در مورد توسعه و احیاء تعاونی ها باید سه اصل مهم در نظر گرفته شود:

- اول این که عوامل برون سازمان را تقویت بکنیم، که این مسئله به عملکرد نهادهای دولتی مربوط می شود.
- دوم اینکه کشاورزان را در هنگام تشکیل شرکت تعاونی، توجه کرده و آگاهی های لازم را به آنها منتقل کنیم. تا اعضا به وظایف خود و ساختار تعاونی آگاهی یابند، و سوء تفاهمها در زمینه انتظارات نا به جا از این نوع شرکت تعاونیها برطرف شود.
- سوم باید مسائل و مشکلات بخش کشاورزی حل شود. چرا که عده ای از کشاورزان به علت عدم توانایی در حل مشکلات کشاورزی، اقدام به تشکیل تعاونی می کنند و در این راه نیز ناموفق عمل می کنند.
- رعایت موارد زیر نیز در زمینه تشکیل و توسعه تعاونی ها می تواند مفید باشد:
- آموزش مربیان و کارشناسان اداره تعاون در سطح حرفه ای، بمنظور ارتقاء سطح کیفی آموزش تعاونگران؛
- تقویت مشارکت در بین اعضا با تقسیم کار و وظایف، بدون اعمال روابط خویشاوندی؛
- توسعه تحقیقات درون استانی از تعاونیها و مقایسه آنها با یکدیگر بمنظور معرفی الگوهای برتر؛
- برگزاری نمایشگاههای تولیدات تعاونیها بصورت سالانه، جهت معرفی محصولات و تقویت بازاریابی در این زمینه و انتخاب محصولات و تعاونی های نمونه در این نمایشگاه؛
- گسترش نظارت بر تعاونیها بمنظور ارتقاء سطح کیفی تعاونیها از لحاظ نحوه فعالیت و عضویت اعضاء در تعاونی و نحوه استفاده از تسهیلات و خدمات تعاون؛
- اداره تعاونی باید شعاع عملکردی خود را افزایش دهد و بجای تأکید بر تأمین اعتبارات، به تأمین نهادهها، آموزش تخصصی تعاونگران، خدمات بازاریابی و بیمه بمنظور تقویت تعاونیها نیز اقدام کند؛
- تعاونی های کشاورزی، به علت ماهیت خود وابسته به وزارت جهاد کشاورزی هستند. واگذاری تعاونی های کشاورزی اداره تعاون به وزارت جهاد کشاورزی می تواند به حل بسیاری از مشکلات کشاورزان کمک کند؛
- اصلاح قوانین و مقررات مربوط به نحوه اخذ اعتبارات از بانک و درخواست وثیقه و نحوه اخذ بازپرداخت اعتبارات، بمنظور تسهیل در دریافت اعتبارات توسط کشاورزان.

منابع:

۱. اداره تعاونی شهرستان خدابنده (۱۳۸۸): آمار تعاونی‌های شهرستان خدابنده، گزارش منتشر نشده.
۲. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۲): «تحلیل مبانی و نظریه‌های نظام بهره‌برداری و روند تحول آنها با تأکید بر جامعه روستایی»، مجموعه مقالات اولین همایش نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران»، ۹-۱۰ دی، تهران، صص ۳۸-۲۴.
۳. خفایی، بهزاد (۱۳۸۸): «عوامل مؤثر بر عدم موفقیت شرکتهای تعاونی بخش کشاورزی در شهرستان بوشهر و دشتستان»، نشریه تعاون، شماره ۱۲، تهران، صص ۱۸۳-۲۰۰.
۴. سازمان بین‌المللی کار (ILO) (۱۳۸۳): «پیشرفت و توسعه تعاونی‌ها»، ترجمه: اصغر بیات، وزارت تعاون، معاونت آموزش و ترویج، انتشارات بایگان، چاپ اول، تهران.
۵. صباغ کرمانی، مجید و لطفعلی عاقلی (۱۳۸۳): «ضرورت ارتقاء تعاونیها و جایگاه آن در بخش سوم اقتصاد»، فصلنامه مدرس، شماره ۲، تهران، صص ۱۴۸-۱۲۷.
۶. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان زنجان، انتشارات مرکز آمار ایران، تهران.
7. Bond, Keeling. And A. Carter, And J. Sexton, (2009): A Study in Cooperative Failure: Lessons from the Rice Growers Association of California, Journal of Cooperatives, Minnesota, and Vol. 23, pp. 71-86.
8. Cuhls, K. (2004): Delphi method, Fraunhofer Institute for Systems and Innovation Research, Germany
9. Earl, D.(2009): Lessons for Cooperatives in Transition:The Case of Western Canada's United Grain Growers and Agricore United, Journal of Cooperatives, Vol 23, pp 20-39
10. Fulton. E, B. Hueth, (2009): Cooperative Conversions, Failures and Restructurings: An Overview, Journal of Cooperatives, Vol 23, pp 1-12
11. Gray, W. And A. Kraenzle, (2002): Problems and Issues Facing Farmer Cooperatives United States Department of Agriculture.
12. Kendall, G. (1938): A New Measure of Rank Correlation, Biometrika, oxford , Vol. 30, No. 1/2 , pp. 81-93
13. Koopmans, R. (2006): Starting a cooperative; Farmer-controlled economic initiatives, Digigrafi, Wageningen.
14. Kraenzle, C. (1998): "Co-opshreak supply sales record" Rural cooperatives, u. s Department of agricultural/ Rural Development, Washington. DC.
15. Ozdemir, G. (2005): Cooperative Shareholder relations in Agricultural Cooperatives in Turkey, journal of Asian Economics, 16: 315-325.
16. Prakash, D. (2003): Development of Agricultural Cooperatives-Relevance of Japanese Experiences to Developing Countries, rural development and management centre, New Delhi. Pp1-16.
17. Report of USDA (1990): Cooperative Benefits and Limitations, Issued.
18. Russo, C. and M. Sabbatini, (2002): Equity Management Practices in Italian Agricultural Cooperatives: a Cluster Analysis Approach, Exploring Diversity in the European Agri-food System, Zaragoza. Pp 1-14.
19. Saunders m. and P. lewis, (2003): research methods for business students, prentice hall, harlow, England, Social Change, vol. 40, pp. 131 – 150.
20. Stofferahn, W. (2010): South Dakota Soybean Processors:The Discourse of Conversion from Cooperative to Limited Liability Corporation, Journal of Cooperatives, Minnesota, Vol 24, pp 13-43.

21. Story, v. and L. Hurdley, and G. Smith, and J. Saker, (2001): methodological and practical implications of the Delphi technique in marketing decision-making: a reassessment, the marketing review, vol 1.
22. Woudenberg, F. (1991): An Evaluation of Delphi, in: Technological Forecasting and Social Change, vol. 40, pp. 131 – 150.
23. www.icmportal.ir

Archive of SID